

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ اکتوبر ۲۰۲۱

"ملاسالاری" نامی دیگر برای "ولایت فقیه"

سه شنبه- ۲۰ میزان ۱۴۰۰ - کابل: از سالها بدین سو، دقیقتر گفته شود، از نخستین روز هائی که داعیان اسلام سیاسی در مصر زیر نام "اخوان المسلمین" برای نخستین بار اعلام موجودیت نمودند و در دوام آن ملاحای شیعه نیز خواستند از موضع شریک قدرت خود را بالا کشیده، در رأس قدرت قرار گیرند، یکی از اساسی ترین سوالاتی که از جانب دوست و دشمن از آنها پرسیده می شد، چگونگی نظامی بود که می بایست بعد از پیروزی حرکت شان، آن نظام را به وجود آورند.

هر دو روند یعنی هم داعیان اسلام سیاسی تسنن و هم تشیع، در تمام این سالها در پاسخ بدین پرسش همیشه یک تکیه کلام داشتند: "نظام اسلامی".

اما این که "نظامی اسلامی" شان چه نوع نظامی خواهد بود، به مانند دموکراسی های غربی قانونیت و مشروعیت شان را به اصطلاح از رأی مردم خواهند گرفت و یا به مانند نظام های سوسیالیستی و جمهوری های دموکراتیک، مشروعیت شان را از طریق اتحادیه های کارگری و شورا ها خواهند گرفت، نه تنها پاسخی در زمینه ارائه نمی داشتند بلکه با وارد کردن انتقادات بجا و بیجا بر هر دو نظام، بدشان نمی آمد که مال خودشان را "راه سوم" معرفی بدارند.

مگر وقتی سؤال عمق بیشتر می یافت و پرسیده می شد که اقتصاد این "راه سوم" چه خواهد بود و به مثابه بازتاب و انعکاس اقتصاد، سیاست "راه سوم" کدام خواهد بود، باز هم خر "نظام اسلامی" در گل چسبناک قرون و اعصار گیر مانده نمی توانستند پاسخی در زمینه ارائه بدارند.

نخستین و جدی ترین اقدامی که در زمینه "نظام اسلامی" با بسته کامل اقتصاد، سیاست و روابط اجتماعی معرفی گردید، تلاشی بود که "معزالقذافی" رهبر کودتائی "لیبیا" با کتاب "انقلاب سبز" خودش انجام داد، مگر تاریخ به یاد دارد که هنوز بیش از یک ماه از عمر سیاست های اقتصادی حاکمیت "قذافی" در زمینه بانکها نگذشته بود، که دولت لیبیا ناگزیر شد بر تمام سیاست هایش خط بطلان کشیده، با مسلط ساختن روابط سرمایه دارانه در امور بانکها، "نظام اسلامی" اش را به کاریکاتوری از مناسبات سرمایه داری استحاله نماید.

خلاف جهان تسنن که بعد از ضربت خوردن جنبش اخوان المسلمین در مصر و بقیه کشور های اسلامی حتا پاکستان و سروصدا های "مودودی" و ناکامی "قذافی"، بحث ها در مورد "محتوای اقتصادی و سیاسی نظام اسلامی" فروکش نمود در جهان تشیع بعد از مرک "آیت الله بروجردی" که می شود گفت آخرین نماینده آن بخش از روحانیت تشیع بود

که به اصل شراکت روحانیت و کمپرادوریزم در حاکمیت احترام می گذاشت، این حرکت سرعت بیشتر یافته، در همه جا به اصطلاح "روشنفکران ملی - مذهبی" تلاش می نمودند تا با ارائه مدل های به ظاهر جدید، "راه سوم" شان را معرفی دارند. امری که تجربه نشان داد تلاشی بود کاملاً بیهوده.

این مسأله بعد از فرار شاه ایران و مصادره خیزش انقلابی توده های میلیونی ایران از جانب روحانیت در همکاری مطلق با امپریالیسم و دست دراز آنها "ارتش شاهنشاهی ایران"، هرچند از لحاظ اقتصادی، هیچ گونه تغییر ماهوی در خود ندید و روابط اقتصادی بر همان مبنای تقدس مالکیت خصوصی، کار مزدی و استثمار دوام نمود، اما از لحاظ سیاسی، قشر آخوند شراکتش را در قدرت با سایر قدرت ها به هم زده، با استقرار اصل "ولایت فقیه" و سپردن تمام اختیارات حیاتی جامعه به "ولی فقیه"، محتوای سیاسی "نظام اسلامی" را آشکار نمودند.

وقتی اینک بعد از رساندن طالبان به حاکمیت تقریباً مشابه با روند به قدرت رساندن اخوندیزم در ایران یعنی سازماندهی فرار شخص اول کشور- در آنجا شاه در اینجا غنی احمدزی- و بی طرفی و نظاره گری تأیید آمیز ارتش های دست ساخت امپریالیسم، نظر می اندازیم، دیده می شود که علی رغم مخالفت های رسمی و علنی جهان غرب و حتا نزدیکترین حامیان طالب به کاربرد "امارت اسلامی"، حاکمیت طالب عملاً با پنهان نگه داشتن شخص "امیر المؤمنین" ادعائی شان، نظام سیاسی "ملاسالار" را در جامعه حاکم ساخته، در عمل به اثبات می رسانند که کاپی مطابق اصل حاکمیت مطلق روحانیت بر جمیع امور در این یعنی "ولایت فقیه" می باشد.

هموطنان گرامی!

بر مبنای همین تشابه شکلی و ماهوی، به تمام هموطنانم به خصوص آنهایی که دست به قلم می برند پیشنهاد می نمایم تا بعد از این حاکمیت طالب را به همان نامی یاد نمائیم که مبین ماهیت آنها می باشد، یعنی "ملاسالاری".

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!